

## تأملی در کتاب

## المدخل الى عذب المنهل

مهدی مهریزی

حضرت استاد حسن زاده آملی در مقدمه گرانسنگ و عالمانه بر این کتاب، بدین نکته تأکید داشته و فرموده است:  
«در كشف الظنون سی عنوان کتاب با نام المدخل معرفی شده است» (صفحه ۵)

آنگاه از «المدخل الكبير الى علم احكام النجوم» اثر ابومعشر بلخی (م ۲۷۲هـ) و «المدخل الى القیاسات الحملیة» اثر فرفورس حکیم نام می برد. اینان فرزنانگانی در نجوم و حکمت بودند و به مدخل نویسی رو کردند و سپس می گوید:

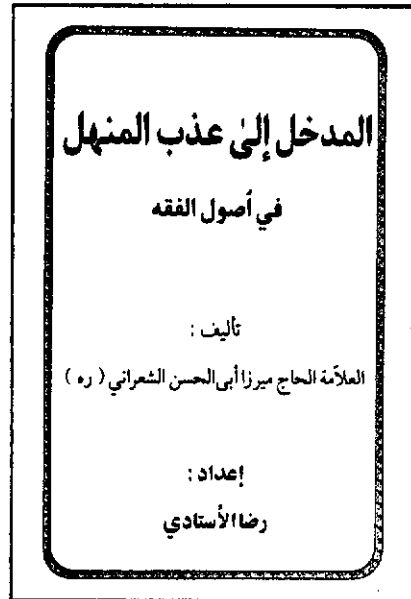
«علامه شعرانی که او را «شیخ بهائی معاصر» و «معلم عصر» لقب داده اند، «المدخل الى عذب المنهل» در اصول فقه را نگاشت.» (صفحه ۵ ح)

علامه شعرانی نخست شرحی بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی با نام «المنهل الروایة علی اولی الدرایة من شرع الکفایة» می نگارد که هنوز طبع نیامده و سپس برای تسهیل ورود بدان «المدخل» را می نویسد. (ص ۳-۴)

استاد حسن زاده «المدخل» را چنین می ستاید:

«ولعمری هو کاسمه مدخل بحر عذب فوات سائق شرابه فطوبی لمن یرتوی منه» (صفحه ۵هـ)؛ بحق، این کتاب چون نامش مدخل، دریای گوارایی است، که نوشیدنش رواست و خوشا به حال آنان که از آن سیراب شوند.

نسخه خطی این کتاب از سوی استاد حسن زاده به دبیرخانه کنگره جهانی شیخ انصاری برای نشر اهدا شده و توسط آقای رضا استادی به تحقیق رسیده است.



المدخل الى عذب المنهل. ميرزا ابوالحسن الشعراني. اعداد: رضا الاستادی. (چاپ اول: الامانة العامة للمؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المثوية الثانية لميلاد الشيخ الاعظم الانصاري، قم، ۱۳۷۳) ۳۲۵ص، وزيری.

«مدخل» نویسی بر دانشها و فنون، در گذشته سنتی نیکو بود که امروزه در علوم دانشگاهی با نام و عنوان دیگر بدان پرداخته می شود.

«مدخل» در واقع به مبادی یک دانش می پردازد و کلیدهای فهم آن را به دست می دهد. این کار تنها از بزرگان یک دانش و آنان که احاطه کامل دارند، برمی آید.

ساختار کلی مطالب کتاب چنین است :

مقدمه

مبانی کلامی و منطقی

مبانی لغوی

مبانی احکامی

در مقدمه از تعریف و موضوع علم اصول و تاریخچهٔ اجمالی این علم سخن رفته است.

در بخش مبانی کلامی و منطقی، مباحث علم و ظن و اقسام هریک و کلام و خطاب و حکم طرح شده است. در مبانی لغوی، از موضوعات وضع، استعمال، حقیقت و مجاز و تعارض احوال دلالات بحث شده است.

مباحث حسن و قبح عقلی، شرایط مکلف، تکلیف و مباحث وابسته به آن و امثال در مبانی احکام مورد توجه قرار گرفته است.

در معرفی اجمالی این اثر غنی و ابتکاری به چند بحث فشرده رو می کنیم:

### یک. ویژگیهای کلی کتاب

این نوشته که از آن ابتکار، غنا، تنبّع و تعمق آشکار است، دو ویژگی بارز و کارآمد دارد:

#### الف) ذکر نمونه‌های واقعی از فقه و حدیث

با اسف بسیار یکی از نواقص کتب تشویری پرداز، چون اصول، دوری و جدایی از حوزهٔ کارکرد است. این نقیصه به افزایش نامناسب برخی موضوعات و ذهنی شدن مباحث می‌انجامد. ذکر شواهد حقیقی از حوزهٔ کارکرد تشویرها، از قدمهای اساسی در رفع این نقیصه است.

علامه شعرانی در این اثر، توجه چشمگیری به این مطلب داشته و هر جا که لازم بوده، نمونه‌های بسیار از فقه و حدیث یاد کرده است.

در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- در بحث ممتع و ابتکاری که از «نقل به معنی» داشته، امثلهٔ فراوانی را از احادیث شاهد می‌گیرد و بر منظور خویش استدلال می‌کند. (ص ۲۸-۴۰)

۲- در بحث تعارض احوال دلالت به نقل نمونه‌هایی واقعی پرداخته است. (ص ۶۱-۱۶۵)

۳- در مبحث معانی حروف نمونه‌های فراوانی ذکر کرده است. (ص ۱۶۷-۱۷۲)

۴- طلب اگر به ماهیت تعلق گیرد به خصوصیت‌های عارضی ماهیت سرایت نمی‌کند، بر این مطلب مکتبهای

فراوانی از فقه آورده است. (ص ۲۱۵-۲۱۶)

۵- برای موضوع «اوامر ارشادی» و مولوی» نمونه‌هایی از احادیث فقهی ذکر کرده است. (ص ۲۴۲-۲۴۴)

ب) توجه به جایگاه علوم و مباحث و اجتناب از خلط

خلط میان علوم و بی‌توجهی به جایگاه مباحث سبب خطاها و لغزشهای بسیار است. طرح مباحث فلسفی در اصول و فقه از این دست است. عدم توجه به ریشه یک موضوع و اینکه در کجا باید تحقیق شود، نمونهٔ دیگر است. التفات به این امر، در فهم بهتر و سریعتر مباحث کمک می‌کند.

مؤلف بزرگوار بدین مسأله عنایتی وافر داشته، که در اینجا به نمونه‌هایی بسنده می‌کنیم:

۱- حجیت قطع، به معنای معذور بودن عامل، از فروع مسأله عدل و عدم جواز تکلیف بما لایطاق است. (ص ۲۰-۲۱)

۲- در مبحث معنای حرفی، در پاسخ آنان که به قاعدهٔ «انَّ الوجود عارض للماهیة والماهیة من حیث هی لا وجود له وهی کلی»، تمسک بسته و معنای حروف را کلی گرفته، می‌گوید:

«در این مباحث لفظی به پژوهشهای فلسفی رجوع نمی‌شود بلکه معیار در اینها عرف و فهم مردمان آن زبان و تبادر است.» (ص ۸۲-۸۳)

۳- معتقد است مسأله استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا، بحث لغوی است نه عقلی و کسانی که آن را محال دانسته‌اند، بدین نکته توجه نداشته‌اند. (ص ۱۰۴)

۴- معتقد است بحث وقت توجه تکلیف، مسأله‌ای کلامی است و باید در علم کلام حل شود، گرچه برخی اصولیان چون علامه در اصول از آن بحث کرده‌اند. (ص ۲۱۸-۲۱۹)

۵- همچنین معتقد است مسأله «تخطئه و تصویب» بحث از احوال ادله است نه بحث از احکام، بدین جهت جزء مبادی احکامیه علم اصول نیست بلکه از مسائل اصلی این دانش است. (ص ۲۲۴)

البته تأکید داشته است که محور احادیث تا زمانی که بطلان یقینی آن محرز نشود، جایز نیست. (ص ۵۰)

۳- مؤلف بحثی نو و قابل تأمل در زمینه «نقل به معنی» در احادیث آورده و فرموده است:

«دلیل آنکه الفاظ حدیث با تمام خصوصیات به یادگار نمانده، این است که روایان غالباً از ائمه و یاران آنها، به صورت شفاهی نقل حدیث کرده و روایت را با واژه‌ها مختلف روایت کرده‌اند. این سخن که قدرت حافظه در دوره‌های گذشته بیشتر بوده، حرفی بی پایه و اساس است و چگونگی می‌توان بدین امر مطمئن شد.» (ص ۲۸)

آنگاه روایاتی را در جواز نقل به معنی ذکر کرده و نتیجه گرفته است که به تمام خصوصیات الفاظ حدیث، نمی‌توان احتجاج کرد. (ص ۳۰)

در پایان نمونه‌هایی از نقل به معنی در نقلهای مکتوب آورده است. (ص ۳۰)

۴- در تعریف وضع گفته است:

«هر چیزی که در لغت و زبان، مردم بدان ملتزمند و این التزام ناشی از ضرورت عقلی نیست، به وضع برمی‌گردد.» (ص ۶۷)

بر این اساس تعریف صاحب فصول را نقد کرده که لازم نیست، وضع برای دلالت بر معنی باشد. (ص ۶۶)

۵- در تعریف اخبار و انشاء گفته است:

«الفاظ انشاء بر حالت نفسی دلالت دارد و الفاظ اخبار بر امور خارجی.» (ص ۹۲)

و سپس توضیح داده که دلالت اخبار بر امور خارجی به توسط معانی ذهنی است.

۶- حقیقت را به لغوی و عرفی خاص و عام و شرعی تقسیم کرده است. (ص ۱۱۸) و وضع تعیینی و تعینی را از اقسام حقیقت عرفی می‌داند. (ص ۱۱۹)

۷- بحثی ارزشمند در کاربرد دین و شریعت دارد و با نشان دادن شواهد تاریخی به این نتیجه می‌رسد که شریعت بر فروع دین و احکام اطلاق می‌شود و دین به اصول اعتقادی و مسائل اخروی و معنوی. (ص ۱۲۲)

این توجه در فهم کلام متکلمان، اصولیان و فقیهان گذشته نقش دارد.

۸- در حقیقت شرعی معتقد است محل نزاع قبل از صاحب معالم و پس از وی متفاوت است. نیز باور دارد که باید برای هر واژه تتبع ویژه صورت پذیرد. از اثبات حقیقت شرعی در یک واژه نمی‌توان قانون کلی به

## دو. مباحث و آرای نو و مهم

مؤلف در پایان کتاب فرموده است:

«چون غرض از تحریر این کتاب، تسهیل بر دانشجویان بود، در هر مسأله به مهمترین اکتفا کرده و ساده‌ترین راه را برگزیدیم، از مسائل پیچیده صرف نظر کردیم. بیشترین مطالبی را که دانشجو در فهم «کفایة الاصول» و شرح آن، نیاز دارد آوردیم. بسیاری از مباحث مهجور و کنارزده را، در این مداخل آورده زیرا در کتب (فقه و اصول) بدانها بسیار استناد می‌شود و از فراگیری آن چاره‌ای نیست...» (ص ۳۱۵)

حقیقتاً نکات بدیع و درخور درنگ و تأمل در این اثر فراوان است که برخی از آنها مبناهای اساسی در فقه و اصول به دست می‌دهد. در اینجا به ذکر مواردی اکتفا می‌کنیم.

۱- مؤلف میان علم عقلی و عادی فرق می‌گذارد و می‌گوید علم عادی احتمال خلاف در آن عاده محال است، اما علم عقلی احتمال خلاف در آن عقلاً محال است. (ص ۲۱-۲۲)

سپس گفته است: ظن اطمینانی غیر از علم عادی است. زیرا ظن با احتمال خلاف جمع می‌شود اما علم عادی چنین نیست. (ص ۲۲-۲۳) بر این اساس کلام صاحب حدائق را نقد کرده است (ص ۲۳) و نیز فرموده است ظن اطمینانی را عرف هم علم نمی‌داند و اگر چنین داوری از سوی عرف صورت پذیرد، از خطای در تطبیق مفهوم بر مصداق است که عرف در آن حجّت نیست. (ص ۲۵)

۲- نویسنده بر این باور است که نزدیک به  $\frac{1}{5}$  احادیث موجود در کتب شیعه جعلی و وضعی است. (ص ۲۷ و ۴۴) همچنین می‌گوید:

«کتاب استبصار ۱۲۰۰ باب دارد و در اکثر ابواب (اگر گفته نشود تمام ابواب) حدیثی موجود است که نمی‌توان گفت از اهل بیت عصمت (ع) صادر شده است.» (ص ۴۴) همچنین معتقد است تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) وضعی است و شواهدی اندک بر آن اقامه کرده است. (ص ۴۳)

دست داد. و نیز برای به دست آوردن حقیقت شرعی باید تبادر معنای شرعی در اذهان مستمعین آن زمان را در نظر گرفت. (ص ۱۲۴-۱۳۴)

سپس فرموده باید محل نزاع چنین تصویر شود که اگر دانستیم شارع واژه‌ای را در معنای شرعی استعمال کرده و بر این استعمال مصمم نیز بوده، آیا این استعمال حقیقت است یا مجاز. بر این اساس الفاظی را که نمی‌دانیم شارع آن را در معنای جدید استعمال کرده، یا آنها را که می‌دانیم شارع در معنای لغوی به کار برده از دایره نزاع خارج است. (ص ۱۲۶)

۹- معتقد است مسأله تعارض احوال در دلالات از اهمیت ویژه برخوردار است و مانند مسأله تعادل و ترجیح در سند احادیث است (ص ۱۶۱)، نمونه‌های متعددی از قرآن و حدیث نیز ذکر کرده است. (ص ۱۶۱-۱۶۵)

۱۰- بحثی در مسأله «موارد خروج از نص» در فقه دارد و کاربرد آن را در فقه شیعی با عنوان «ایماء» و «تنقیح مناط» نشان داده است. (ص ۱۷۴ و ۱۸۵)

۱۱- در تعارض دو خبر، حاصل نظرش را چنین گفته است:

«اگر دو دلیل محتمل الصدور بود و با یکدیگر تنافی داشت به مرجحات سندی رجوع می‌شود و اگر هر دو یقینی بودند به صریحترین عمل می‌شود. در صورتی که هر دو یقینی و صریح باشند یا در دلالت مساوی باشند و قابل تاویل نباشند که بر تخییر حمل شود باید اهم را مقدم داشت و گرنه به یکی عمل می‌شود.» (ص ۲۱۲)

۱۲- مسأله‌ای را با این عنوان طرح کرده که:

«طلب اگر به ماهیت تعلق گیرد، به خصوصیات منظم بدان سرایت نمی‌کند.» (ص ۲۱۵) و برای این موضوع نمونه‌های بسیار از فقه، شاهد می‌آورد.

۱۳- معتقد است اینکه می‌گویند هیچ واقعه‌ای از حکم ختالی نیست، اعم از حکم ارشادی و مولوی است. (ص ۲۳۵-۲۳۶)

۱۴- بحثی را با عنوان «امور ارشادی و مولوی» طرح کرده و ثمره‌ای برایش گفته، آنگاه به مواردی از اوامر ارشادی ذکر کرده است. (ص ۲۴۲-۲۴۵)

۱۵- معتقد است سنّ یانگی که در احادیث آمده ارشادی است و به غلبه خارجی نظر دارد. (ص ۲۴۴)

۱۶- کلیه مباحث «امثال» را یکجا گرد آورده و در ضمن هفده مسأله به بحث گذارده است. (ص ۲۸۴-۳۱۵)

### سه. نظری به تحقیق کتاب

این کتاب توسط حضرت آقای استادی تحقیق شده و با تتبع عالمان ایشان آماده طبع گشته است.

محقق در پاورقی، منابع ارجاعات، ترجمه اعلام و توضیح برخی موارد لازم را آورده است:

تحقیق اثر عالمان بزرگ و جامع و پراطلاع، کاری کارستان است و این امر بر اهل فن پوشیده نیست. با تمام این اوصاف خواننده، جای رعایت نکاتی چند همچنان خالی است:

۱- منبع پاره‌ای از ارجاعات در پاورقی نیامده است؛ از قبیل: مذهب البیضاوی، ص ۷۱؛ الاشکالات الفخریه، ص ۷۸؛ قال ابو حیان، ص ۸۵؛ قال بعضهم، ص ۱۰۵؛ قال الشافعی، ص ۱۷۰؛ مذهب الشیخ الانصاری و مذهب صاحب القوانین، ص ۲۶۱؛ المحقق الانصاری، ص ۲۶۴؛ یجیب ابوهاشم، ص ۳۱۰.

۲- در ترجمه اعلام ضابطه‌ای منظور نگشته، زیرا تعدادی از اعلام ترجمه نشده‌اند.

۳- برخی ارجاعات به چاپ قدیم کتب داده شده، با اینکه چاپ جدید تحقیق شده، موجود است. مانند: السرائر ص ۱۰۱، شرح اشارات ص ۱۳۵، شرح تجرید ص ۲۳۵، معالم الاصول، ص ۱۷۶ و ...

۴- حروفچینی تیتراها، اگر در عنوانهای اصلی و فرعی، اندازه حروف رعایت می‌شد، این کتاب بسیار کارآمدتر عرضه می‌شد. زیرا در وضع فعلی همه تیتراها به یک اندازه تایپ شده است.

۵- افزودن برخی فهرستهای فنی از قبیل: اعلام، کتب، مصطلحات علمی و ... بر فهرستهای موجود، برای پژوهشگران و دانشوران تسهیلی دیگر ایجاد می‌کرد.

